

تعهدات در قانون مدنی کشور فرانسه  
مقررات عمومی قراردادها یا الزامات ناشی از قرارداد

---

مترجم: بهمن رازانی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## بخش ششم

### تعهدات دارای وجه التزام

**ماده ۱۲۲۶** شرط وجه التزام آن است که شخص در مقام اطمینان بخشی از اجرای قرارداد، چیزی را در مورد عدم اجرای قرارداد، متعهد و ملتزم گردد.

**ماده ۱۲۲۷** بطلان تعهد اصلی، موجب بطلان شرط وجه التزام نیز می‌گردد. اما بطلان شرط وجه التزام به هیچ وجه به بطلان تعهد اصلی نمی‌انجامد.

**ماده ۱۲۲۸** متعهدله، به جای آن که علیه متعهدی که در اجرای تعهد تأخیر کرده است، وجه التزام موضوع قرارداد را درخواست کند، می‌تواند اجرای تعهد اصلی را مطالبه کند.

**ماده ۱۲۲۹** شرط وجه التزام، تاوان زیان‌ها و خساراتی است که متعهدله از عدم اجرای تعهد اصلی متحمل می‌گردد. متعهدله نمی‌تواند همزمان اجرای تعهد اصلی و نیز وجه التزام را تقاضا کند، مگر آن که برای تأخیر ساده در اجرا نیز، در قرارداد، وجه التزامی مورد توافق قرار گرفته باشد.

**ماده ۱۲۳۰** چه قرارداد تعهد اولیه حاوی مهلتی باشد که طی آن باید موضوع تعهد به انجام رسد، و چه این گونه نباشد، زمانی پرداخت وجه التزام موضوع پیدا می‌کند که شخصی که متعهد به تسلیم یا اخذ یا انجام کاری شده است، تأخیر کرده باشد.

**ماده ۱۲۳۱** زمانی که تعهد، جزناً اجرا گردیده باشد، وجه التزام نهاده شده، ممکن است از سوی دادرس بر مبنای سودی که اجرای جزئی نصیب متعهدله کرده است، کاهش و تعدیل یابد، بی آن که خسارات ناشی از اجرای ماده ۱۱۵۲ موضوع پیدا کند.

**ماده ۱۲۳۲** زمانی که تعهد اولیه حاوی شرط وجه التزام، امری غیر قابل تجزیه باشد، تخلف فقط یک نفر از ورثه متعهد از اجرای تعهد، باعث پدیداری وجه التزام خواهد شد و می‌توان آن را تماماً علیه متخلف یا به نسبت سهم هر یک از ورثه علیه هر یک از ایشان یا متضامناً علیه همه درخواست کرد، مگر در مورد دادخواهی ایشان علیه شخص متخلف.

**ماده ۱۲۳۳** در موردی که تعهد مقدماتی دارای وجه التزام قابل تجزیه باشد، تخلف یکی از ورثه متعهد باعث بروز و جریان وجه التزام فقط علیه او و به نسبت سهمش خواهد شد و اثری علیه کسانی که تعهدات خویش را اجرا کرده‌اند، ندارد.

موردی که وجه التزام بدین قصد به تعهد اولیه افزوده شده باشد که مانع از تجزیه در اجرای تعهد موصوف باشد و یکی از ورثه با تخلف خویش مانع از اجرای کل تعهد گردیده باشد، از قاعده فوق مستثنا است. در این مورد تمام وجه التزام ممکن است از وی یا همه ی ورثه به نسبت سهم هر یک مطالبه شود، مگر در موردی که دیگر ورثه علیه متخلف اقدام به دادخواهی کرده باشند.

### فصل پنجم

#### سقوط تعهدات

**ماده ۱۲۳۴** تعهدات به وسایل و در موارد ذیل ساقط می‌گردد:

- به وسیله ایفا و پرداخت،
- به وسیله تبدیل تعهد،
- به وسیله ابرای اداری،
- به وسیله تهاتر تعهدات،
- به وسیله مالکیت ما فی الذمه،
- به وسیله تلف شیء موضوع قرارداد،
- به وسیله بطلان یا فسخ قرارداد،
- به وسیله تأثیر شرط موجب فسخ چنان که در فصل قبل گذشت،
- به وسیله مرور زمان که خود موضوع عنوان ویژه‌ای است.

## بخش اول

### دربارهٔ پرداخت

قسمت یک: عموماً پرداخت

**ماده ۱۲۳۵** هرگونه پرداخت دینی متوهم، یعنی پرداختی که شخص ملزم بدان نبوده است، مستوجب درخواست استرداد است؛ اما پرداخت وجهی در قبال تعهدات طبیعی، قابل درخواست استرداد نیست.

**ماده ۱۲۳۶** هر تعهد می‌تواند به وسیله کلیهٔ ذی نفعان، از جمله یکی از متعهدان متعدد یا ضامن، تأدیه گردد. شخص ثالث، یعنی کسی که هیچ‌گونه رابطه‌ای با تعهد ندارد نیز می‌تواند آن را تأدیه کند، بدان شرط که آن را به نام و از سوی متعهد اجرا دارد؛ ولی در صورتی که آن را به نام خود تأدیه کند، قائم مقام متعهد له نخواهد شد.

**ماده ۱۲۳۷** هنگامی که سود متعهدله در آن است که تعهد به انجام دادن عملی، با مباشرت شخص متعهد انجام شود، ثالث نمی‌تواند آن تعهد را بدون تمایل متعهدله، خود به انجام رساند.

**ماده ۱۲۳۸** برای پرداختی مؤثر، باید پرداخت‌کننده مالک مال پرداختنی بوده و نیز اهمیت استیفای آن را داشته باشد. با وجود این، پرداخت دینی با پول نقد یا چیز دیگر که عرف اجازه دهد، در صورتی که به وسیله غیر مالک یا شخصی انجام شده باشد که اهلیت استیفای آن را نداشته باشد، نمی‌تواند موجب درخواست استرداد آن علیه متعهدله با حسن نیت گردد.

**ماده ۱۲۳۹** پرداخت باید به متعهدله انجام گیرد یا کسی که از سوی وی حق تسلیم متعهدله را دارد یا کسی که از سوی دادگاه یا قانون، چنان حقی به وی داده شده باشد. هرگاه پرداخت به شخصی انجام گیرد که حق اخذ آن را نداشته است، در صورتی که مورد تصویب متعهدله واقع گردد یا متعهدله از آن بهره‌مند گردد، پذیرفته است.

**ماده ۱۲۴۰** هرگونه پرداختی با حسن نیت به کسی که ذی نفع دین است، موجب براءت ذمه می‌گردد، هرچند که بعداً از وی خلع ید گردد.

**ماده ۱۲۴۱** پرداخت به متعهدله، زمانی که وی اهلیت دریافت ندارد، تأثیری ندارد؛ مگر این که متعهد از این که شیء تسلیم شده در جهت منافع متعهدله به کار می‌رود، اطمینان یافته باشد.

**ماده ۱۲۴۲** پرداخت دین متعهد به متعهدله، به زیان کسی که مال را توقیف کرده یا اعتراضی به عمل آورده است، در قبال توقیف‌کنند و معترض تأثیری ندارد. اینان می‌توانند بر حسب حقوقی که دارند، متعهد را به پرداخت مجدد مال الزام کنند، مگر آن که در این زمینه وی علیه متعهدله، دادخواهی کرده باشد.

**ماده ۱۲۴۳** متعهدله را نمی‌توان به دریافت چیزی جز متعهد به الزام کرد. هر چند که ارزش شیء پیشنهادی همگن یا زیاده بر ارزش متعهدله باشد.

**ماده ۱۲۴۴** متعهد نمی‌تواند متعهدله را به دریافت اقساطی دینی قابل تجزیه نیز مجبور کند.

**ماده ۱۲۴۵** متعهد به تسلیم عین معین، با استقرار آن عین در محلی که برای تسلیم پیش بینی شده، بری می‌گردد، بدان شرط که فساد و عیوب آتی عین یاد شده نه از عمل وی ناشی شود نه از تقصیرش و نه ناشی از دیگر اشخاصی باشد که وی مسئول ایشان است، نیز بدان شرط که پیش از حصول آن فساد و عیوب، وی تأخیر در اجرای تعهد نکرده باشد.

**ماده ۱۲۴۶** هرگاه موضوع تعهد، چیزی کلی است، متعهد مکلف به تسلیم بهترین نوعش نخواهد بود. نیز وی نمی‌تواند بدترین نوع را تسلیم کند.

**ماده ۱۲۴۷** تسلیم و پرداخت باید در جایی به عمل آید که طی قرارداد پیش بینی شده است. در صورتی که مکان تسلیم طی قرارداد معین نشده باشد، هرگاه موضوع تعهد عین معین است، باید در جایی تسلیم شود که موقع انعقاد قرارداد آن جا بوده است.

تسلیم مواد غذایی که دادگاه به عنوان کمک به شخصی برقرار می‌سازد، جز در مواردی که دادرس تصمیمی دیگر اخذ کرده باشد، در محل اقامتگاه گیرنده به عمل می‌آید. خارج از موارد فوق، تسلیم، باید در محل اقامتگاه متعهد انجام شود.

**ماده ۱۲۴۸** مخارج تسلیم بر عهده‌ی متعهد است.

قسمت ۲: دربارهٔ پرداخت به قائم مقام

ماده ۱۲۴۹ قائم مقامی شخص ثالث از متعهدله در حقوق وی، به سبب پرداختی که می‌کند، ممکن است قانونی باشد یا قراردادی.

ماده ۱۲۵۰ قائم مقامی از متعهدله در صورتی قراردادی است که:

۱. متعهدله که موضوع تعهد را از شخص ثالثی دریافت می‌دارد، وی را در حقوق خویش یا اعمال حقوقی یا امتیاز یا رهن خویش علیه متعهدش قائم مقام خود کند. این قائم مقامی باید به صراحت و هنگام تسلیم و تسلیم داده شود.

۲. زمانی که متعهد، مبلغی را برای پرداخت دین خود قرض می‌گیرد، و وام دهنده را قائم مقام متعهدله می‌سازد.

برای تأثیر بخشی چنان قائم مقامی، باید سند اخذ وجه یاد شده و پرداخت نزد سردفتر تنظیم و امضا گردد و در سند یاد شده باید ذکر شود که وجه وام گرفته شده برای پرداخت دین قبلی است و در رسید پرداخت دین نیز باید اعلام گردد که آخرین پرداخت متعهدله جدید به همان منظور پرداخت شده است. این قائم مقامی بدون موافقت متعهدله پدید می‌آید.

ماده ۱۲۵۱ قائم مقامی یاد شده، در موارد ذیل به خودی خود صورت می‌گیرد:

۱. به سود طلبکاری که طلب داین دیگری را که به سبب رهن یا امتیازات دیگرش بر وی حق تقدم دارد، می‌پردازد.

۲. به سود متقاضی خرید غیر منقولی که وجه پرداختی‌اش را برای پرداخت دین طلبکاری به کار می‌برد که آن غیر منقول و ثبته دین او است.

۳. به سود کسی که همراه با دیگران یا برای دیگران ملتزم به پرداخت دین است و از پرداخت شدنش بهره‌مند می‌گردد.

۴. به سود وارثی بهره‌ور از ترکه که دین موروثی را از طرف خود و دیگران می‌پردازد.

ماده ۱۲۵۲ قائم مقامی موضوع مواد قبلی، به همان میزان که در قبال بدهکاران قابل استناد است، در قبال ضامنان ایشان هم قابل استناد است. این قائم مقامی به متعهدله، زمانی که وی جز بخشی از طلبش را نگرفته است، زبانی نمی‌رساند. در این حالت وی می‌تواند حقوق

خویش را برای اجرای دین خویش، به میزان باقی مانده با برتری نسبت به کسی که دینش را اقساطی کرده، درخواست اجرا کند.

**قسمت ۳: به حساب گرفتن پرداخت‌ها**

**ماده ۱۲۵۳** بدهکار چندین دین، هنگام پرداخت هر یک، حق دارد اعلام کند که پرداخت، بابت برائتش از کدام دین است.

**ماده ۱۲۵۴** متعهد دینی که سودی بدان تعلق می‌گیرد یا متعلق پرداخت اقساطی بابت حاصل آن تعهد است، نمی‌تواند بدون موافقت متعهدله خویش، وجهی را که بابت سرمایه با محاسبه ترجیح تقسیط یا سود پرداخته است، به حساب سرمایه بگیرد. پرداخت‌هایی که بابت سرمایه و سود به عمل آمده، ولی کل آن دو را در بر نمی‌گیرد، ابتدا به حساب سود گرفته می‌شود.

**ماده ۱۲۵۵** زمانی که بدهکار چندین دین، رسیدی را پذیرفته است که طی آن، متعهدله متذکر شده که وجه را بابت دین معینی از آن دیون متعدد پذیرفته است، نمی‌تواند درخواست کند که پرداخت موصوف به حساب دین دیگری گرفته شود؛ به شرط این که در این زمینه، تدلیس یا تغافل از سوی طلبکار در میان نباشد.

**ماده ۱۲۵۶** هنگامی که رسید، حاوی این نیست که وجه به کدام حساب گرفته می‌شود، پرداخت به حساب آن بدهی باید گرفته شود که از میان بدهی‌های متعدد سر رسید پرداخت آن، بیش‌تر به سود بدهکار است و در صورت تساوی، به حساب آن بدهی باید گرفته شود که معوض است نه غیر معوض.

هرگاه دیون، از حیث طبعشان همانند باشند، پرداخت به حساب قدیمی‌ترین دین گرفته می‌شود. و اگر همه از این حیث متساوی باشد، پرداخت نسبت به حساب همه گرفته می‌شود.